



چهارشنبه 25 اردیبهشت 1398 - 9 رمضان 1440 - 15 می 2019

لغو امتیاز تنباکو به واسطه فشار ناشی از فتوای "میرزای بزرگ شیرازی" (1270 ش)

لغو امتیاز تنباکو به واسطه فشار ناشی از فتوای "میرزای بزرگ شیرازی" (1270 ش) پس از این که ناصرالدین شاه قاجار در سفر به فرنگ، دچار کم پولی می‌شد، امتیاز کشت، تولید و فروش تنباکو به مدت بیش از نیم قرن را به یکی از سرمایه‌داران انگلیسی به نام تالبوت واگذار می‌کرد تا خرج عیاشی‌های خود در غرب نماید. وقتی خبر در کشور می‌پیچد با مخالفت علما و مردم مواجه می‌گردد و پس از مبارزات گسترده و گذشت هفده ماه از امضای قرارداد تنباکو، میرزای بزرگ شیرازی در فتوای مشهور خود، استعمال تنباکو را در حکم محاربه با امام زمان (عج) اعلام می‌کند و به شاه هشدار می‌دهد که در صورت عدم لغو قرارداد، فرمان جهاد صادر خواهد کرد. سرانجام پایداری علما و حمایت مردم، ناصرالدین شاه را به پرداخت غرامت به تالبوت انگلیسی و لغو قرارداد مجبور ساخت. فتوای تاریخی تحریم تنباکو، توطئه‌های را که به دست ناصرالدین شاه قاجار با واگذاری امتیاز دخانیات ایران به انگلیسی‌ها در حال شکل گرفتن بود در نطفه نابود کرد.

روز بزرگداشت استاد سخن و ادب فارسی، "حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی"، 25 اردیبهشت ماه روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، بزرگ‌ترین حماسه‌سرای ایران و یکی از حماسه‌سرایان بزرگ جهان است. وی در سال 319 یا 320 ش برابر با سال 329 ق در طوس متولد شد. شهرت جهانی فردوسی، به خاطر کتاب شاهنامه است که وی سرودن آن را از دوران جوانی آغاز کرد، تا پایان عمر، بارها آن را بررسی و ویرایش کرد و بر غنای آن افزود. شاهنامه، گنجینه میراث هزار ساله ملت و کشور ایران و دایرةالمعارف فرهنگ و تاریخ ایرانیان است. آن گونه که فردوسی می‌گوید، سرودن شاهنامه، سی سال طول کشید. این اثر جاویدان فردوسی که در شمار بهترین آثار حماسی عالم است، در حدود پنجاه هزار بیت دارد و تاکنون به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده است. شاهنامه فردوسی بر اثر نفوذ شدیدی که در میان طبقات مختلف ایرانیان یافت، در همه ادوار تاریخی بعد از قرن پنجم هجری مورد توجه بود چنانکه همه شاعران حماسه‌گوی ایرانی تا عهد اخیر تحت تاثیر آن بوده و از آن پیروی کرده‌اند. فردوسی در حفظ جانب امانت هنگام نقل مطالب، به کار بردن نهایت مهارت در وصف مناظر طبیعی و میدان‌های جنگ و قهرمانان منظومه خود و نیز ذکر جگم و مواعظ دلپذیر، کمال توانایی را نشان داده است. فردوسی در بیان افکار و نقل معانی و رعایت سادگی زبان، صراحت و روشنی سخن، انسجام، استحکام و متانت کلام در درجه‌های از قدرت است که کلامش همواره در میان استادان، نمونه‌ای از فصاحت و بلاغت شمرده شده و به منزله سخن سهل و ممتنع تلقی گردیده است. برای بزرگداشت مقام این شاعر و سخن‌سرای نامی، روز 25 اردیبهشت هر سال به نام حکیم ابوالقاسم فردوسی نامگذاری شده است تا فرصتی فراهم آید که علاوه بر شناساندن این شخصیت بزرگ ادبی به اقشار مختلف مردم، زمینه حفظ این گنجینه و میراث غنی در همگان افزون گردد.

روز بزرگداشت استاد سخن و ادب فارسی، "حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی"، 25 اردیبهشت ماه روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، بزرگ‌ترین حماسه‌سرای ایران و یکی از حماسه‌سرایان بزرگ جهان است. وی در سال 319 یا 320 ش برابر با سال 329 ق در طوس متولد شد. شهرت جهانی فردوسی، به خاطر کتاب شاهنامه است که وی سرودن آن را از دوران جوانی آغاز کرد، تا پایان عمر، بارها آن را بررسی و ویرایش کرد و بر غنای آن افزود. شاهنامه، گنجینه میراث هزار ساله ملت و کشور ایران و دایرةالمعارف فرهنگ و تاریخ ایرانیان است. آن گونه که فردوسی می‌گوید، سرودن شاهنامه، سی سال طول کشید. این اثر جاویدان فردوسی که در شمار بهترین آثار حماسی عالم است، در حدود پنجاه هزار بیت دارد و تاکنون به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده است. شاهنامه فردوسی بر اثر نفوذ شدیدی که در میان طبقات مختلف ایرانیان یافت، در همه ادوار تاریخی بعد از قرن پنجم هجری مورد توجه بود چنانکه همه شاعران حماسه‌گوی ایرانی تا عهد اخیر تحت تاثیر آن بوده و از آن پیروی کرده‌اند. فردوسی در حفظ جانب امانت هنگام نقل مطالب، به کار بردن نهایت مهارت در وصف مناظر طبیعی و میدان‌های جنگ و قهرمانان منظومه خود و نیز ذکر جگم و مواعظ دلپذیر، کمال توانایی را نشان داده است. فردوسی در بیان افکار و نقل معانی و رعایت سادگی زبان، صراحت و روشنی سخن، انسجام، استحکام و متانت کلام در درجه‌های از قدرت است که کلامش همواره در میان استادان، نمونه‌ای از فصاحت و بلاغت شمرده شده و به منزله سخن سهل و ممتنع تلقی گردیده است. برای بزرگداشت مقام این شاعر و سخن‌سرای نامی، روز 25 اردیبهشت هر سال به نام حکیم ابوالقاسم فردوسی نامگذاری شده است تا فرصتی فراهم آید که علاوه بر شناساندن این شخصیت بزرگ ادبی به اقشار مختلف مردم، زمینه حفظ این گنجینه و میراث غنی در همگان افزون گردد.

وفات حضرت خدیجه (س)، همسب با وفای پیامد اسلام (ص)، بنا به روایتی (10 بعثت) حضرت خدیجه (س) که از زنان نامدار و ثروتمند قریش بود پانزده سال قبل از بعثت با پیامبر اسلام (ص) ازدواج کرد. این بانوی بزرگوار اولین فردی بود که به رسالت پیامبر ایمان آورد و با تمام توان و ثروت خود به یاری دین اسلام برخاست. وجود حضرت خدیجه برای پیامبر اسلام به قدری اهمیت داشت که پیامبر اکرم (ص) رحلت این بانوی بزرگ را

ارسال نامه ی کهفیان دای "امام حسین (ع)" حجت عتبت امام به عراق (60، 60)، امام حسین (ع) پس از ترك اعتراض و ورود به مکه، به افشای ماهیت ضد اسلامی دستگاه یزید پرداخت. در این حال، مردم کوفه که خاطره و حکومت علی (ع) را از بیست سال پیش در خاطر داشتند، از امام حسین (ع) جهت رهبری خود دعوت کردند. از آن پس، سران شیعیان کوفه، نامه و های به حضور امام نوشتند که اولین نامه در دهم رمضان سال شصت هجری به دست آن حضرت رسید. ارسال نامه و ها از طرف شخصیت و ها و گروه و های متعدد کوفی همچنان ادامه یافت به طوری که تنها در یک روز، ششصد نامه به دست امام رسید و مجموع نامه و های که به تدریج می و رسید، بالغ بر دوازده هزار نامه گردید. دعوت کوفیان، بُعد تازه و ای به وضعیت داد و وظیفه و ای تازه و ای برای امام ایجاد کرد. بنابراین و با در نظر گرفتن شرایط موجود بود که امام حسین (ع) تصمیم به عزیمت به عراق گرفته، راهی آن دیار شد.

پس از تعویض و در حقیقت تحمیل ولایتعهدی مامون به امام رضا(ع) در هفتم رمضان سال 201 ق، تشریفات بیعت، طی مراسمی شکوهمند در روز پنجشنبه دهم ماه رمضان همان سال به عمل آمد و حضرت بر مسند ولایتعهدی جلوس فرمودند. اولین کسی که به دستور خلیفه، دست بیعت به امام داد، عباس فرزند مامون بود. پس از او، فضل به سهل، وزیر اعظم؛ یحیی بن اکثم، مُفتی دربار؛ و سپس امرای لشکر و عموم اشراف و رجال بني‌رمی و عباس که حاضر بودند، با آن حضرت بیت کردند. موضوع ولایتعهدی امام رضا(ع)، طبعاً برای دوستان و شیعیان آن حضرت موجب سرور و شادمانی شد، زیرا آنان خلافت را حق مسلم اهل بیت(ع) می‌دانستند. ولی خود آن حضرت از این امر اندوهگین و متأثر بود و در مقابل اظهار خوشحالی یکی از اطرافیان فرمود: دل به این کار مَبَد و به آن خشنود مَباش که دوامی ندارد.

روز سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۳
روز یکشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۳
روز دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۳

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون، به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ ها، تمدن ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه نابودی بوده است. اسلام به عنوان مکتبی انسان ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد. از این رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت می شمرد. نیک بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این بنا وابسته می داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دست یابی به آرامش برمی شمارد. خانواده، کوچک ترین واحد اجتماعی و در عین حال، بزرگ ترین و اثرگذارترین واحد تربیتی در جوامع به شمار می آید، به گونه ای که می تواند منشأ تحول فردی و اجتماعی و رشد ارزش های انسانی در میان اعضای آن باشد. خانواده، مهم ترین نهادی است که فرد در آن پرورش می یابد. بنابراین، سرمایه گذاری و توجه هرچه بیشتر به این نهاد مقدس، از رسالت معلمان به ویژه پیامبران و پیشوایان ادیان قرار گرفته است. امروز نیز بشر همین رویکرد را پی می گیرد تا جایی که دولت ها به رشد و توسعه کیفی خانواده توجه می کنند و می کوشند با در اختیار قرار دادن امتیازها و تسهیلات رفاهی، آموزشی و مشاوره ای، به ارتقای سطح بهداشت و سلامت روانی خانواده کمک کنند؛ زیرا این کار، بر تربیت نسل آینده اثر مستقیم خواهد داشت. اگر گام نخست در تشکیل خانواده سنجیده برداشته شود؛ یعنی افراد در انتخاب همسر، معیارهای ارزشی، اخلاقی و ایمانی را در نظر بگیرند، سیر حرکتی خانواده به سوی تشکیل خانواده ای مطلوب خواهد بود. خانواده مطلوب، خانواده ای است که پدر و مادر گاه گاه برای فرزندان شان تنها گوش باشند و هنر شنیدن را در خود تقویت کنند. در این صورت می توانند هرچه بیشتر به دنیای فرزندان خود نزدیک شوند و بر آن اثر بگذارند. این گروه، خانواده را بر اساس شاخص های والای معنوی بنیان نهاده و کانونی ساخته اند که حضور در آن، هم برای پدر و مادر لذت بخش است و هم برای فرزندان بهترین پناه گاه به شمار می رود. این خانواده کانونی خواهد بود برای پرورش نسل آینده و محلی برای انتقال درست ارزش ها و فرهنگ های گذشته، تا هیچ گاه فرزندان، خود را بدون هویت ندانند و از پیشینه خود دور نشوند. نوزاد، نخستین تعامل خود با محیط را در خانواده آغاز می کند. در این کانون اولیه، نخستین اثرگذاری و اثرپذیری آغاز می شود و کودک اندک اندک در فرآیند رشد اجتماعی قرار می گیرد. به نظر روان شناسان، سال های اولیه کودکی، در رشد شخصیت و آینده او نقشی بسزا دارد. بیشتر شناخت های کودک از خود، اطرافیان و محیط نیز در این دوران شکل می گیرد. میزان سلامت جسمانی و روانی کودک، بسته به ارتباطی است که خانواده با وی دارد و اینکه تا چه حد تلاش می کند نیازهای او را برآورده سازد. کودکانی که در این سال ها از نظر عاطفی و امنیتی در خانواده تأمین نمی شوند، به انواع سختی ها دچار می گردند. مشکل این کودکان، بیشتر با شیطنت ها، دروغ گویی ها و حرف نشنیدن های ساده آغاز می شود و با توجه به وضع نابسامان خانواده، به بزه کاری ها و جنایت های دوران بزرگ سالی می انجامد. ویژگی مهم دوران نوجوانی، استقلال طلبی نوجوان است. او می خواهد به شیوه ای، رشد و استقلال خود را به خانواده ثابت کند. بر این اساس، فاصله میان خود و خانواده را بیشتر می کند و به گروه هم سالان نزدیک می شود. در صورتی که خانواده در این دوران با کارکردهای اساسی خود آشنا نباشد و ویژگی های دوران نوجوانی را نشناسد، کارکرد تربیتی درستی نخواهد داشت. چه بسا رفتارهای نادرست اعضای خانواده و فضای نامناسب آن، نوجوان را بیشتر از این محیط دور سازد. سالم نبودن خانواده از نظر روانی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی خانواده به دلیل تأثیری که روی اعضای دارد، جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد. کارکرد زیستی خانواده، ضامن بقای جامعه انسانی است و کارکرد پرورشی آن، زمینه ساز تربیت فرزندان است که برای ساختن جامعه فردا آماده می شوند. تعادل روانی، تقویت اراده، دیگرگرایی، رویارویی با مشکلات، میل به تلاش، سازندگی، نوآوری، ارتباط با خداوند و عبادت، همگی صفاتی اند که خانواده، مهم

ترین نقش را در شکل گیری و تقویت آنها برعهده دارد. خانواده سالم، بهترین بستر رشد فرهنگی و سلامت جسم و روان و مهم ترین عامل انتقال ارزش ها، پرورش عاطفی، کاهش آسیب های اجتماعی و ارتقای امنیت هر جامعه به شمار می آید.

مصیبتی عظیم خواند و سال رحلت حضرت خدیجه و حامی بزرگ دیگر خود یعنی حضرت ابوطالب را عام الحزن یعنی سال اندوه نامید، زیرا ابوطالب عموی پیامبر نیز در همان سال وفات یافته بود. پیامبر اکرم(ص)، حتی سال rlm&ها پس از رحلت آن بانوی بزرگوار، از ایشان به خوبی و نیکی یاد می rlm&کرد و او را ستایش می rlm&نمود. آن حضرت در جواب کسی که به پیغمبر گفت: خداوند، بهتر از خدیجه را به تو عوض داده است، فرمود: "سوگند به خدا که خداوند، مرا بهتر از او عوض نداده است. او به من ایمان آورد، هنگامی که مردم کفر ورزیدند و مرا تصدیق کرد، آنگاه که مردم مرا تکذیب کردند و با مال خود مرا یاری نمود، آنگاه که مردم، مرا محروم ساختند و پروردگار، مرا تنها از میان زنان، از او به ولادت فرزند روزی داد." ام المؤمنین خدیجه(س) به هنگام وفات 65 سال داشت.